

## متون دینی آیین مانی

فروزان راسخی

### اشاره

قصید نگارنده در این نوشتار، نه بیان زندگی یا تعالیم مانی، بلکه بررسی ادبیات مانوی و معرفی متون عمده آن است. دین مانی هرچند دینی اصیل نیست و آمیخته‌ای از تعالیم چند دین بزرگ، یعنی دین زرتشت، بودا و مسیحیت، است با این همه از چند نظر از برخی ادیان دیگر ممتاز است.

شخص مانی به نوشتن کتاب، و به تصویر کشیدن تعالیم خود، اهمیت داده است. برخلاف بودا و زرتشت و عیسی که چیزی به رشته تحریر درنیاموردند، مانی به دست خود، هشت کتاب نوشته است. علاوه بر این، ادبیات مانوی انبوهی از کتابهای مختلف است که به زبانهای گوناگون نوشته شده‌اند، لذا دین مانی از لحاظ گوناگونی زبان متونش نیز جالب توجه است. متون مانوی به زبانهای پارسی میانه، پهلوی، سغدی، چینی و اویغوری نوشته شده‌اند. تصویرگری مانی و آثار به دست آمده در این زمینه (به ویژه کتاب ارژنگ) از امتیازات او محسوب می‌شود.

نکته دیگر آنکه این دین گرچه ظاهراً رو به افول نهاده، اما از آنجا که ریشه‌های گنوسی داشته است، هنوز در قالب فرقه‌های گوناگون گنوسی، به ویژه در عالم مسیحیت، به حیات خود ادامه می‌دهد. «رستگاری از راه دانش» که اصل و اساس هر نوع تفکر گنوسی است، هنوز آنقدر جاذبه دارد که افرادی را به سوی خود بکشاند. همانگونه

که قدیس آگوستین، یکی از آباء عظیم‌القدر کلیسا، اقرار می‌کند که در دوران گرایش خود به مانویت، بیشتر جذب این جنبهٔ آیین مذکور بوده است. ادبیات مانوی به دو دستهٔ متون مقدس و جز آن تقسیم می‌شود. ادبیات مقدس شامل ۶ کتاب از ۸ کتاب مانی است. ادبیات غیرمقدس شامل کتب گوناگونی است که بخش اعظم آنها را سرودها و نیایش‌ها تشکیل می‌دهند. غیرمانویان نیز اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ دین مانی و کتابهای او در اختیار ما نهاده‌اند که در این نوشتار، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این افراد یا به قصد مخالفت، آثاری را تألیف کرده و در آن، از مانی و دین او سخن رانده‌اند (مانند مسیحیان و زرتشتیان) و یا تنها به قصد گزارشی بی‌طرفانه، دست به چنین کاری یازیده‌اند (مانند نویسندگان مسلمان). این اثر به عنوان گام نخست در مطالعات مانوی مفید تواند بود.

### تعالیم مانی

مانویت دینی است که مردی ایرانی به نام مانی (۲۷۶-۲۱۵ م.) آن را بنیاد نهاد. این دین از ایران تا دورترین نقاط مغرب زمین گسترش یافت و در طی قرون سوم تا هفتم میلادی بسیار پرنفوذ بود. مانی در بنیاد اندیشه‌اش مروج آیین گنوسی است، اما برخلاف گنوسیان پیش از خود، بن‌مایه‌هایی مهم از دین زرتشت، بودا و مسیح را به آیین خویش افزود و رنگی تازه و دینی به آن بخشید. گنوسیان پیش از او، چون مرقیون، باسیلیوس و والتینوس همگی در شمار فرقه‌هایی گنوسی مسیحی بودند و بیشتر گرایشی عرفانی داشتند و آرای آنها برای خواص بود، در حالی که مانی آیینی نو آورد و گرایش عرفانی را به دینی مبدل کرد که قرن‌ها دوام یافت.<sup>۱</sup>

در دین مانی، اعتقاد به دو اصل جاودانی وجود دارد، نور (یا روح) و تاریکی (یا ماده). جهان کنونی از کنش و واکنش‌های میان این دو تشکیل شده است و زایندهٔ نبرد میان تاریکی و نور است که به پراکندگی پاره‌های نور منجر شده و انتشار گوهر مینوی و محبوس ماندن آن در ماده، منجر به زندانی شدن روح در قفس تن گشته است.

همهٔ اینها بی‌تردید، باورهایی گنوسی است و مفهوم اصلی آن «طلا در گِل» (یعنی روح محبوس در ماده) است، عنصر ارزشمندی که نیازمند رهایی است، تا به سرچشمهٔ

۱. سی. آر. سی، آبری، زبور مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، ص ۱۱.

خویش بازگردد. آموزه رستگاری مانوی مبتنی بر دانش است. دین مانوی، همانند همه جنبشهای گنوسی، «دانش» را مایه نجات آدمی می‌داند و این نجات از راه پیروزی «نورنیکو» بر «تیرگی شرور» به دست می‌آید. معرفت از طریق خاطره‌ای به رستگاری منجر می‌شود که در آن، انسان تشخیص می‌دهد که روحش پاره‌ای از نور و با خدای متعال هم‌گوهر است.<sup>۱</sup>

مانویت اساساً یک دین مکتوب است. در میان دینیهایی که مانی در ابداع خویش از آنها بهره برد، هیچ‌یک همچون دین او آثاری مکتوب نداشتند که به دست بانیان آن دین نوشته شده باشد. بودا، زرتشت و عیسی درباره دین خود چیزی نوشته بودند. اما مانی کتابهایی نوشت و نظام عقیدتی قابل فهمی از تلفیق آراء این ادیان بوجود آورد.

### زبان مانی

مانی اهل بابل بود و بابل بخش پایینی بین‌النهرین است که در آن زمان مردمانش به زبان آرامی (یا دقیق‌تر بگویم، آرامی شرقی) سخن می‌گفتند. مانی گفته است: «من شاگردی شاکرم که از سرزمین بابل برخاستم». زبان آرامی شرقی در ارتباطی تنگاتنگ با زبان سریانی اُدسای، زبان ادبی‌ای که در اُدسا رواج یافت، است. بخشهایی از اشعار مانوی که احتمالاً خود مانی آنها را سروده است، به صورت محاوره اُدسای به رشته تحریر درآمده‌اند.<sup>۲</sup>

مانی در به کارگیری ابزار زبان‌شناختی خود نیز - تا آنجا که به زبانهای ایرانی، چون پارسی میانه و پهلوی مربوط می‌شد - نوآور بود. او در حقیقت، پیچیدگیهای نگارشی این زبانها را اصلاح کرد. مانی بخش بزرگی از آثار خود را نه به زبان ایرانی، بلکه به آرامی شرقی نگاشت. تنها یک کتاب او، شاپورگان، به زبان پارسی میانه نوشته شده است.

این نوشته‌ها نشان می‌دهد که مانی مردی اهل دانش و برخوردار از فرهنگ گسترده‌ای بود و بی‌تردید با اناجیل چهارگانه و رساله‌های پولس، مکاشفات حضرت آدم، شیث، پولس، اندریاس آشنا بود و مهم‌تر از همه توماس، مبلغ مسیحیت در هند، را نیز دیده بود. توماس از نظر او یک الگوی تبلیغ بود. او احتمالاً با نوشته‌های فلسفی و شاعرانه

۱. آیین گنوسی و مانوی، مجموعه مقالات، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۳، ص ۱۲۲.

2. Widengren, Geo, *Mani and Manichaeism*, London, 1965, p. 74.

بردیسان نیز آشنایی داشت، چون در کتاب رازها از او سخن می‌گوید. نیز تردیدی نیست که مانی با سنت زرتشتی آشنا بوده است و بعدها در سفرهای تبلیغی خود با بسیاری از سنتهای زنده دیگر نیز آشنا گشت و بی‌شک فرصت مطالعه آیین بودایی مهیانه را نیز یافت.<sup>۱</sup>

نخستین بار سریانیان به مانی گفتند: «مانی حیّه» (= مانی زنده به معنای بیدار، عارف و آگاه) و همین نام را یونانیان به نیز Manichaios بدل کردند، یعنی «مانی زنده» که در واژه انگلیسی Manichacism بازمانده است. مانی و شاگردان و جانشینان او به هنرهای دیداری، گرافیکی و خطاطی بس ارج می‌نهادند. به همین مناسبت، شهرت مانی به عنوان نقاش تا سده‌های بسیار دوام یافت. به طور کلی اعتماد فوق‌العاده مانی و پیروانش به سنت نوشتاری و خلق آثار مکتوب در تاریخ عتیق امری کاملاً استثنایی بود؛ زیرا اندیشمندان عهد باستان و ثوق سنت شفاهی را بیشتر می‌دانستند.

بنابر گفته دانشنامه بزرگ زرتشتیان، کتاب دینکرد، اهمیت کلام شفاهی بی‌تردید بیشتر از نوشتار است. تأکید بر سنت شفاهی در نوشته‌های افلاطون و اندیشه سقراط نیز دیده می‌شود. از این لحاظ انبوه نوشته‌های مانی در میان ادیان دیگر به او ویژگی خاصی می‌بخشد.<sup>۲</sup>

مانویت در سرزمینهای مدیترانه و در آسیا و هند پیروانی یافت. در اثر مخالفتهای قدیس آگوستین، که خودش زمانی به دین مانوی گرویده بود، چندی رو به افول نهاد اما بعد از جنگهای صلیبی، گروهی مبادی مانی را از سرزمینهای شرقی اقتباس کرده، دوباره به مغرب زمین آوردند و فرقه‌ای به نام کاتارها را ایجاد کردند که مدتها در جنوب فرانسه رواج یافت. در سده یازدهم کاتارها در ایتالیا، آلمان و فرانسه پرآوازه بودند. اما پس از قرن سیزدهم به تدریج دین مانوی پیروان خود را از دست داد.<sup>۳</sup>

مانی را معمولاً تحت تأثیر آرای بردیسان<sup>۴</sup> و مارکیون<sup>۵</sup> (مریقون) نیز می‌دانند. بردیسان، فیلسوف مسیحی (۲۲۲-۱۵۴ م.) گنوسی و مؤسس فرقه دیسانیه، در اصل، اهل پارت بود و آثارش منبع عمده افکار مانی به شمار می‌آید. او نیز به دو اصل نور و

1. Cf. Gnoli, Gherardo, "Mani" *Enc. of Religion*, Ed. Mircea, Eliade, Vol. 9, pp. 158-61.

2. Cf. Asmussen, Jes p., *Manichaen Literature*, pp. 6-16.

۳. جان. بی، ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی‌اصغر حکمت، ص ۶۴۱.

4. Bardesanes

5. Marcion

ظلمت قائل بوده و آنها را منشأ خیر و شرّ می دانسته است. مارکیون (متوفای ۱۶۰ م.) بنیانگذار یک فرقه مسیحی گنوسی است که پیروانش به دو خدا باور داشتند، یک خدای آفریننده که همان خدای موسی است و دیگری عیسی مسیح.<sup>۱</sup>

### متون مانوی

متون مانوی را به چند گروه می توان تقسیم کرد: الف: نوشته های خود مانی که شامل هشت کتاب است. به جز دو کتاب، یعنی شاپورگان و ارژنگ، بقیه جزو متون مقدّس و معتبر مانویان محسوب می شود. ب: نوشته های بزرگان مانوی که ادبیات غیر معتبر مانویّت را تشکیل می دهند. ج: آثار دیگران که در آنها بخشهایی از آثار مانوی آمده است. از دست نوشته های ارزشمند و گوناگون مانی تنها مقدار کمی بازمانده است. نوشته های بزرگان مانوی برای ما نسبتاً بیشتر شناخته شده است تا نوشته های مانی. نوشته های مانی اساساً از طریق متن های مکشوف در ترخان<sup>۲</sup> در آسیای میانه در آغاز سده حاضر و یافته های فیوم<sup>۳</sup> در مصر در ۱۹۳۰ به دست آمده است. در میان آثار مربوط به شرح حال اولیا و قدّيسان باید مجموعه دست نوشته های مانوی کلن<sup>۴</sup> را نام برد، که ترجمه ای یونانی از اصل سریانی و مربوط به سده پنجم میلادی است. این مجموعه که بیشتر آن از بین رفته است در یونان در منطقه ای به نام اکسیرینخوس<sup>۵</sup> پیدا شد، مجموعه های دیگری از مواظط، اشعار و سرودها نیز در دست است که درباره آنها سخن خواهیم گفت.

### مجموعه کتب مقدّس و آثار مانی (The Canon)

از میان آثاری که منسوب به مانی است شش اثر در زمره متون مقدّس مانویان و معتبر شمرده می شوند که عبارتند از: ۱- انجیل زنده ۲- گنج حیات ۳- رساله ۴- کتاب رازها ۵- کتاب غولان ۶- نامه ها. اینک به معرفّی هریک از اینها می پردازیم.

۱- انجیل زنده: این اثر به زبان سریانی نوشته شده و بخشی از این کتاب که از سریانی به یونانی ترجمه شده است در مجموعه دست نوشته های مکشوف در اکسیرینخوس

۱. دائرة المعارف فارسی، مصاحب، ج ۱، ذیل همین نام.

2. Turfan

3. Fayum

4. Cologne Mani - Codex

5. Oxyrhynchus

وجود دارد. در این کتاب، او خود را همان فارقلیط می‌داند که مسیح مژده آمدنش را داده بود. به نظر می‌آید که مانی در این کتاب ضمن همراهی با آموزه عیسی در صدد پیشی گرفتن بر اناجیل معتبر مسیحیان بوده است.

۲- گنج حیات:<sup>۱</sup> این عنوان یادآور کتاب مقدس منداییان، یعنی گنزه (Ginza) به معنای گنج است و شاید این امر گواه ارتباط مانی و منداییان باشد. بخشی از این کتاب در کتاب ابوریحان بیرونی آمده است. بخشهای دیگری از آن نیز در کتاب آگوستین نقل شده است.

۳- رساله:<sup>۲</sup> مضمون این اثر احتمالاً نوعی اخلاق عملی بوده است اما متأسفانه هیچ قطعه‌ای از این اثر در دست نیست و نمی‌توان سخن قطعی‌ای درباره آن گفت.

۴- کتاب رازها:<sup>۳</sup> که شامل هجده فصل و مضمون آن حمله به جانشینان بردیسان است. عناوین فصول این کتاب در الفهرست ابن‌ندیم آمده است، اما هیچ بخشی از آن کشف نشده است. آنچه از عناوین آن برمی‌آید این است که فصل ۱ و ۱۲ و ۱۳ مربوط به تعالیم بردیسان بوده است. شاید بتوان حدس زد که این اثر به قصد مقابله با اثری باشد که به همین نام نزد پیروان بردیسان رواج داشته است. بخشهایی از این کتاب نیز در کتاب بیرونی ترجمه شده است.

۵- کتاب غولان:<sup>۴</sup> آنچه درباره این کتاب می‌دانیم مدیون آثار مکشوفه در ترفان است. قطعات مذکور امروزه یک کل را تشکیل می‌دهد، گرچه قسمت‌های افتاده‌ای نیز در آن دیده می‌شود. در این کتاب، مانی یک اسطوره کهن شرق میانه را انتخاب می‌کند و با استفاده از طرح آن به بیان نظرگاههای خود می‌پردازد. این اسطوره همان افسانه هبوط فرشتگانی است که با اژدهایی درگیر بودند. در نوشته‌های ایرانی میانه، سام و نریمان، دو کشنده اژدها و از چهره‌های آشنای اسطوره‌ای ایران باستان هستند. مانی این طرح را که خاستگاهی ایرانی دارد با داستان هبوط فرشتگان آن چنان که در کتاب اژل اخوخ آمده است آمیخت و اسطوره‌ای نوین را آفرید.

۶- نامه‌ها:<sup>۵</sup> این نوشته‌ها در مجموعه‌ای به زبان قبطی به دست آمده‌اند و اکثر بخشهای آن گم‌شده‌اند. جز عناوین و مقدمات آنها نمی‌توان نکته‌ای را از این نامه‌ها دریافت. دو

1. Treasure of Life

2. Treatise

3. Mysteries

4. Book of Giants

5. Epistles

نامه‌ای که از مضمون آنها مطلعیم محتوایی صددرصد عقیدتی ندارند بلکه بیشتر به نامه‌های شخصی شبیه‌اند. شاید بتوان گفت که این نامه‌ها برداشتهایی آزاد از رساله‌های قدیس پولس‌اند. این نامه‌ها مانند رساله‌های پولس شامل قطعه‌های عقیدتی، جهت‌گیری‌های عملی و روابط شخصی‌اند.

گرچه این نامه‌ها در آغاز به قصد انتشار به صورت یک کتاب تهیه نشدند، اما مانی در دوره زندگی اش آنها را همچون بخشی از دستاورد ادبی اش به دیگران می‌داد تا بخوانند. فهرست مفصلی از نامه‌های او در الفهرست آمده است. کتابهای معرفی شده همه به زبان سریانی به رشته تحریر درآمده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ادبیات غیرمقدس (Non-Canonical Literature)

دو اثر دیگر به مانی نسبت داده‌اند که بیرون از مجموعه رسمی و دینی قرار دارند. این دو اثر عبارتند از:

۱- شاپورگان<sup>۲</sup> - ارژنگ. کتاب شاپورگان که به شاپور اول، شاه ساسانی، اهدا شده، به زبان فارسی میانه نوشته شده است (برخلاف دیگر کتابهای مانی که همه به زبان سریانی نوشته شده‌اند).

این نخستین اثر مانی است که در آن، آموزه‌اش را شرح می‌دهد و مضمونی جهان‌شناسانه و خصوصاً آخرت‌شناسانه دارد. در این کتاب مطالبی نیز درباره زمان و مکان تولد مانی آمده است. شاید علت تفاوت زبان این اثر با دیگر آثار مانی در این نکته باشد که او در صدد جلب نظر پادشاه بوده، از این رو، به گویش سلسله ساسانی اعتنا کرده است.<sup>۳</sup>

این کتاب را از قطعات به جا مانده در دستنوشته‌های مکشوفه در ترفان و نیز از گزارش بیرونی بازمی‌شناسیم. شاپورگان در طی ۲۵۵-۲۵۰ میلادی به رشته تحریر درآمد. ارژنگ کتاب مصوری است که اکثر جنبه‌های مهم آموزه‌های مانی را به تصویر کشیده است به شیوه‌ای که حتی برای بی‌سوادان نیز قابل فهم است. در سراسر قرون وسطا در

1. Cf. Widengren, Ibid, p. 76-80

2. Shābuhragān

3. Images

۴. این کتاب شاید به سبب رویدادهای اندوهباری که میانه او و دربار شاهی را برهم زده بود، جزو مجموعه کتب دینی به شمار نیامده است.

ایران، مانی به نقاشی و صورتگری معروف بود. او به تقلید از چینیان و هندوان برای شرح و توضیح تعالیم خود دست به کار آفرینش نقوش و تصاویر شد. وقتی که دین مانی در ایران نابود شد، مردم اویغور در ترکستان چین و آسیای مرکزی همچنان به آن عقاید پایدار مانده و سلاطین ایشان آن را دین رسمی خود قرار دادند؛ در پایتخت ایشان، شهر چتچو (chatcho)، قسمتی از کتاب ارژنگ با تصاویر و نقوش به دست آمد که در قرون دوم و سوم هجری نگاشته شده بود و بالاخره آن کتاب مصور را انجیل مانی یا «انگلیون» نیز گفته‌اند. ظاهراً در عهد غزنویان نسخه‌ای از کتاب انجیل مانی وجود داشته است.<sup>۱</sup>

### کفالیا (Kephalaia)

اثر مهم دیگری که در نوشته‌های قبلی به دست ما رسیده، کتابی است که در ترجمه یونانی‌اش عنوان کفالیا را دارد. به نظر می‌رسد که این کتاب بیش از ۵۲۰ صفحه بوده و به فصول (= کفالیا) متعددی تقسیم می‌شده است. این نوشته گزارشی از آموزه‌ها، تفاسیر و الهامات مانی است و غالباً او را در حال گفت‌وگو با شاگردانش معرفی می‌کند. امّا مضمون کتاب بسیار پراکنده و مطول است و هیچ نظام مشخصی را ارائه نمی‌دهد. شاگردان مانی در اینجا گروهی ویژه‌اند که حواریون عیسی را به یاد می‌آورند. نویسنده کفالیا آشکارا عیسی را مدنظر داشته است. معلوم نیست که این کتاب را خود مانی نوشته یا یکی از پیروان او. در هر حال این کتاب مربوط به قرن چهارم و اثری عقیدتی و یکی از منابع مهم مانویان بشمار می‌رود.<sup>۲</sup>

### دست‌نوشته‌های مانوی کلن (Cologne Mani-Codex)

این دست‌نوشته‌ها به زبان یونانی و مجموعه‌ای است کوچک مربوط به قرن پنجم میلادی که اکثر آن از میان رفته و مزین به مینیاتور و دارای عنوان «در تکوین بدن او (= مانی)» است. کتاب از زندگی مانی سخن می‌گوید و شامل سخنان خود مانی است. در سال ۱۹۶۹ بخشی از مجموعه کلن بازسازی و قرائت شد و بدینگونه زندگینامه مانی که دارای سبکی شورانگیز دست بدست آمد.<sup>۳</sup>

۱. ناس، همان، ص ۱۶۸-۹.

2. Widengren, Ibid, p. 81.

۳. آئین گنوسی و مانوی، ص ۱۷۷.



### زبور مانوی Psalms Book

زبور مانوی یکی از آثار ادبی دینی عصر ساسانی (قرن سوم و چهارم میلادی) است که نخست به زبان سریانی سروده شد. بیشتر آثار مانی در اصل به سریانی بوده که بعدها به زبانهای دیگر، از جمله پارسی (پهلوی اشکانی)، فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، یونانی، قبطی، چینی و جز آن ترجمه گردید. زبور مانوی در سده چهارم مسیحی به یونانی و آنگاه به زبان قبطی ترجمه شد. آلبری، پژوهنده و متخصص زبان قبطی، زبور مانوی را برای نخستین بار قرائت و به انگلیسی ترجمه کرد. ادبیات مانوی بویژه در بخش زبور و نیایش‌ها، از نظر احساسات لطیف و شاعرانه ارزش ادبی بسیار چشمگیری دارد.

زبور مانوی به پیروی از زبور داود سروده شده است و پیش از دو کتاب مهم دیگر قبطی زبان یعنی، مواعظ و کفایه، حدوداً در سال ۳۴۰ ق. م. نوشته شده است. این کتاب شامل ۲۸۹ مزمور شماره‌دار و گروه بی‌شماری از مزامیر پراکنده است. به جز مزامیر توماس همه مزامیر مانوی یک ویژگی مشترک دارند؛ هر یک با ستایش خداوند، عیسی، مانی، برگزیدگان و شماری از مانویانی که چه بسا جزو شهدا بوده‌اند، پایان می‌یابد. در هر نیایش دست‌کم نام یکی از افراد گرامی داشته می‌شود.<sup>۱</sup> این سرودها نقش مؤثری در دین مانوی داشته و بسیار متنوع‌اند. زهد مانوی در این مزامیر به خوبی منعکس شده است. در یکی از مزامیر آمده است: «کسی که مزموری را به آواز بخواند، مانند کسی است که تاج گل می‌بافد، آنان که پس از او پاسخ می‌دهند، چون کسانی‌اند که گل سرخ به دستشان دهند.» پس می‌توان نتیجه گرفت که سرودخوان یا چاووشی خوان مانوی به تنهایی شعری را می‌خوانده و در پایان، همه شرکت‌کنندگان در نیایشهای دسته‌جمعی پاره‌ای از شعر را تکرار می‌کرده‌اند. این سنت هنوز در مرثیه‌خوانی‌های ایران محفوظ مانده است.

### اشعار و مواعظ

نخستین بار پروفیسور کارل اسمیت در سال ۱۹۳۰ شماری از دست‌نوشته‌های پایروس قبطی را در مصر کشف کرد و همو تشخیص داد که دست‌نوشته‌های مذکور همان اشعار

مانوی است. انتشار این اشعار از سال ۱۹۳۴ آغاز گردید. این پاپیروس‌های قبطی که اشعار مانوی بر روی آنها نوشته شده مربوط به نیمه دوم سده چهارم مسیحی است که از یونانی ترجمه شده‌اند و متنهای یونانی نیز از زبان سریانی برگردانده شده بودند. اشعار مانوی به چند زبان نوشته شده‌اند که عبارتند از: ۱- اشعار پارتی یا سرودهایی به زبان پهلوی اشکانی ۲- اشعار فارسی میانه مانوی که شامل نیایشهایی در ستایش ایزدان مانوی است. ۳- اشعار قبطی که مهمترین بخش آن سرودهای کتاب زبور مانوی است. این اشعار از لحاظ ادبی بسیار متفاوتند. اشعار و زبور را می‌توان ادبیات آهنگین دین مانوی برشمرد.

بخش دیگری از ادبیات مانوی مواعظ<sup>۱</sup> (به زبان قبطی) است. بخشهای مهمی از این مجموعه قبطی در جنگ جهانی دوم یکسره نابود شدند.<sup>۲</sup> نیز باید از اعترافات نام برد که کتاب قواعد اقرار به گناه است. قطعات پراکنده دیگری در جاهای مختلف یافت می‌شوند که گرچه نمی‌توانند دوره زندگی مانی را از همه نظر بازسازی کنند، اما تصویری جالب و مشخص از آغاز و انجام فعالیت عمومی او ارائه می‌دهند. بخشهایی از چنین گزارشهایی در الفهرست، سه قطعه مکشوفه در ترفان و متون گوناگون قبطی مانوی وجود دارند.

زندگی مانی به شدت با عناصر افسانه‌ای در آمیخته که به مقوله زندگی قدیسان تعلق دارد. این نوع گزارش درباره قدیسان ابتدا در روزگار هلنی دیده می‌شود که بعداً از سوی مسیحیان و نیز مانویان پذیرفته شد و سرانجام در تألیفات اسلامی دیده می‌شود. داستانهای عهد عتیق تا حدی این الگو را فراهم می‌کنند. گزارش زندگی مانی تا حد زیادی شبیه به زندگینامه‌های مسیحی و هلنی است: همان آمیختگی شرح زندگی با داستانهای واقعی از زبان شاهدان عینی، همان تأکیدات بر اوضاع و احوال شگفت‌انگیز تولد و تهذیب نفس، همان مرگ معجزه‌آسا، همان وصف سفرهای تبلیغی به سرزمینهای دور، همان ملاقاتها با حکام قدرتمند، همان گزارشهای جالب و سخنان واعظانه و همان تراکم فقرات مختلف نامربوط به هم (مانند آنچه در اعمال رسولان وجود دارد).<sup>۲</sup>

1. Homilies

۲. اکبری، پیشین، ص ۱۲.

3. Widengren, Ibid, p. 81.

## تعالیم مانی در آثار مخالفان (زرتشتی و مسیحی)

جوامع دینی هم عصر مانی از همان آغاز، تعالیم او را همچون خطری مهم تلقی کردند. جامعه مسیحی و زرتشتی هر دو با تنفر بر ضد وی شوریدند. موبد کریتر که مانویان او را مسئول اصلی مرگ مانی می دانستند در میان زرتشتیان فعالیت مؤثر و ویژه ای داشت. اما کریتر در این مورد تنها نبود. دشمنی زرتشتیان با دین مانی که قرن‌ها دوام یافت به ویژه در ادبیات وسیع کلامی سده سوم هجری نمودار است، از جمله در رساله شکندگمانیک و زار (گزارش گمان‌شکن، که از دیدگاه زرتشتی با اسلام، مسیحیت، یهودیت و مانویت برخورد می‌کند) تمامی فصل شانزدهم به انتقاد از مانی و تعالیم او اختصاص یافته است. رساله گجستگ ابایش (ابایش ملعون) بیانگر مناظره ابایش زندیق<sup>۱</sup> و موبد آذر فرتبغ است. نیز در دینکرد، تفاوت دیدگاه‌های مانویت به نمایندگی شخص مانی و دین زرتشتی به نمایندگی آذربادمار سپندان، با دوازده موضوع نمایانده شده است. در این اثر از هر فرصتی برای نشان دادن انزجار نسبت به مانی و آموزه‌های او استفاده شده است. دین مانی در پایان سده سوم میلادی در غرب نفوذ کرد. الهیون کلیسای باستان کم‌کم خطر را به چشم می‌دیدند، در این زمان، نخستین تلاش‌های ضد مانوی مسیحیان آغاز گشت که حاصل آن کتاب اکتا آرخلای<sup>۲</sup> اثر هگمونوس<sup>۳</sup> بود. این کتاب گرچه گزارش یک مسیحی درباره مانی است اما شامل مواد معتبر بسیاری است که توصیفی شخصی از او به دست می‌دهد و می‌گوید که مانی کتابی بابلی به دست چپش داشت.

در پایان سده سوم میلادی آگوستین جوان به آیین مانی گروید و ۹ سال در حلقه سامعان زیست. او در طی این نه سال بینش و درک کاملی از تعالیم مانی به دست آورد، اما بعدها به نافذترین چهره مخالف آن تعالیم بدل شد. آگوستین در چند رساله از دین پیشین خود یاد کرده، با آن مخالفت می‌کند. حتی در رساله‌هایی نیز که درباره مانویت نیست گهگاه مخالفت خود را نشان می‌دهد. بهرحال همه آثار آگوستین تقریباً منابع دست اول این دین به شمار می‌رود به ویژه بنیادنامه. نیز باید به اثر مهم دیگری اشاره کنیم: کتاب مکاتب<sup>۴</sup> اثر ثئودور برکنای<sup>۵</sup>، نویسنده سوری سده هشتم که از مآخذ سریانی دین مانی است.

در میان نویسندگان ایرانی ابن ندیم در الفهرست خود براساس نوشته‌های اصیل مانوی

۱. بی‌تردید واژه زندیق (zandyky) در این نوشته اشاره به مانویان است.

2. Acta Archelai (اعمال آرخلایوس)

3. Hegemonius

4. Book of Scholia

5. Theodore bar Kōnai

گزارشی از آنها بدست داده است. نیز ابوریحان بیرونی گزارش تازه و بی‌طرفانه‌ای از مانویّت در کتابهای خود آورده است که از نظر اهمیّت همتای الفهرست است. پیش از آنکه دست‌نوشته‌های مانوی کشف شوند، آثار آگوستین، بیرونی، ابن‌ندیم و هگمونیوس منابع بنیادی مانویّت به شمار می‌رفت. گرچه امروزه بازیاافتهای تازه‌تری داریم اما برخی از آثار نویسندگان مخالف با مانویّت هنوز اهمیّت شایانی دارند زیرا متضمّن آگاهی‌هایی ارزشمند و شایسته‌اند.

### پژوهشهای بعدی

نخستین رسالهٔ پژوهشگرانه دربارهٔ مانویّت، تاریخ نقد مانی و آیین او از هوگوئنو اسحاق دبوسویر<sup>۱</sup> است که در نیمهٔ اول سدهٔ هجدهم میلادی به رشتهٔ تحریر درآمد. در سدهٔ نوزدهم پژوهش در متون مانوی راههای پرثمری را پیمود. پژوهشهای کهن جای خود را به جستارهای نوین و سودمند داد و منابع ناشناختهٔ پیشین کشف گردید. از زمانی که یافته‌های مانوی آسیای میانه مسایل کاملاً متفاوت و پیش‌بینی نشده‌ای را بوجود آورد، پژوهشهای دامنه‌دار سدهٔ نوزدهم بیشتر مقبول افتاده است.

نظام دین مانوی اثر بوئر<sup>۲</sup> بحث منظم و جامعی دربارهٔ دین مانی به میان آورد. اثر دیگر از آن فلوگل<sup>۳</sup> تحت عنوان مانی: آیین و دست‌نوشته‌های اوست که در سال ۱۸۶۲ به چاپ رسید. این کتاب بخشی از الفهرست ابن‌ندیم دربارهٔ مانی است. گزارش بیرونی دربارهٔ مانویّت در سال ۱۸۷۸ توسط زاخو<sup>۴</sup> منتشر شد. دربارهٔ دین مانی، امروزه با متون بسیاری مواجهیم که برای جامعهٔ مانوی نوشته شده بودند به ویژه متنهایی که در سرزمینهایی پیدا شده‌اند که دین مانی در آنجا حمایت می‌شده است. در آغاز دههٔ ۱۹۳۰ هنینگ<sup>۵</sup> براساس نوشته‌های بازمانده از ایران‌شناس بزرگ آلمانی آندره آس نوشته‌های مانوی ایرانی میانه در ترکستان را به چاپ رساند. پژوهشهای با ارزش هنینگ توسط شاگردش مری بویس<sup>۶</sup> و خاورشناسانی همچون ویدنگرن<sup>۷</sup> و زوندرمان<sup>۸</sup> دنبال شدند. به هر حال با آنکه بسیاری از مسائل در زمینهٔ پژوهشهای مانوی حلّ شده‌اند، هنوز هم مشکلاتی وجود دارد.<sup>۹</sup>

1. Huguenot Isaac de Beausobre

2. F. C. Baur

3. Gustav Flügel

4. Sachau

5. Henning

6. Mary Boyce

7. Geo Widengren

8. Werner Sundermann

9. cf. Asmussen, Ibid, p. 1-5.

### نمونه‌هایی از زیور مانوی

در پایان این جستار کوتاه دربارهٔ ادبیات مانوی چند نمونه از مزامیر مانوی را ذکر می‌کنیم. ابتدا قطعه‌ای را که «در مرگ مانی» سروده شده است می‌آوریم:

همهٔ اسرار در تو کمال یافته‌اند ای پدر ما! خداوندگار ما، مانی!

در روز بر دارکردگی خویشان را به دست محتشمان سپرد

در روز دوشنبه... چهارمین روز از ماه فامنوت،<sup>۱</sup> [به ساعت ۱۱]،

او خویشان را به مرگ سپرد

... آن خجسته، خداوندگار ما مانی

به زانو نشست، از خداوند بخشایش جست خروش برکشید و گفت:

در بگشای و مرا از رنجها رهایی بخش! فرمانروایان زمین خشمگین بر من رأی زدند

... مردانی که همه چیز بر هم زدند و دگرگون کنند و حالات را تلخ

از روزی که آنانم به بند افکندند تا روز بر چلیپا شدن، بیست و شش روز برشمرده شده،

شبان و روزانم پایبند با نگاهبانانی که گماشته بودند

آنان شش زنجیر بر گردنم نهادند ... و مرا بستند

همهٔ گزیدگان و نیوشایان\* با دیدن شکنجه‌های من گریستند

اجازه ندادند آن گنهکاران که فرزندان، شاگردان، شبانان و شماسان را ببینم

چه، می‌دیدند که آنان [فوج فوج] نزد من آیند.

... هان! آسمان و زمین و آن دو چراغ فروزان از فراز گواهند که بدانان جز نکویی روا نداشتم

اما آنان با خشونت بر چلیپایم کشیدند

۱. فامنوت، نام یکی از ماهها، برابر شهریورماه.

\* جامعهٔ مانوی به دو طبقه تقسیم می‌شد: برگزیدگان و نیوشایان. آگوستین دربارهٔ این دو طبقه می‌گوید: «نیوشایان گوشت خورند و بر زمین کشت کنند و اگر بخواهند، همسر گزینند، اما هیچ‌یک از این امور برای برگزیدگان جایز نیست. نیوشایان در برابر گزیدگان نماز برند و قروتانه از آنان تکلیف خواهند. برای نیایش و ستایش خورشید و ماه بدانان پیوندند. یکشنبه‌ها روزه گیرند. همگی به اندیشه‌های شرک آلود معتقدند که ارتداد مانوی را پس تفرانگیز می‌کند. از جمله زایش مسیح از یک باکره را متکرند، و گویند که گوشت تنش حقیقی نبود، بل دروغین بود. ... آنان بر این باورند که همهٔ ارواح، انسانها و حتی جانوران از گوهر خدایند و همه از اجزای اویند. سرانجام آنان گویند که خداوند نیک و راستین با نژاد تاریکی نبرد آغازید و پاره‌ای از وجودش با فرمانروایان تاریکی درآمیخت؛ پاره‌ای که در همهٔ جهان آلوده شده است، اما با خوراک برگزیدگان و با خورشید و ماه بالوده شود؛ هر پاره‌ای از خداوند که پالودنش برای آدمیان میسر نگردد، در پایان جهان به زنجیرهٔ جاودانی عقوبت منجر خواهد شد» (آیین گتوسی و مانوی، ص ۲۰۵-۲۰۶).

... پدر شکوهمند خویش را دیدم      که همواره در انتظارم بود      اودروازهٔ عرش را در برابرم گشود

دست فراز کرده، نمازش بردم      با زانوان خمیده نیایش کردم

که توانستم خود را از تمثال مادی درآورم      و جامهٔ انسانی برکنم

هان! کالبدش را به میانهٔ شهر آن گنهکاران آوردند

در آن هنگام، سرش را از بدن جدا کردند      و در برابر چشمان انبوه مردمان برآویختند

گزیدگان و نیوشایان...      بزرگ شبان آنان

که از میانشان عروج کرد      ... عروج کرد آن محبوب      به آسمان.

مزمور دیگر با عنوان «آگاه، منجی ام» یکی از مزامیر پراکنده در زبور مانوی است که مضامین لطیفی دارد:

آه، منجی ام!      پیامبر بشکوهت دارد      آه، منجی ام!

دوشیزگانش به شکوهت دارند      آه، منجی ام!

سکاندارانش که با وی به سر برند      بیا آواز سردهیم!      خورشید و ماه بشکوهت دارند      آه، منجی ام!

و همهٔ ایزدان که با وی اند      آه منجی ام!

انسان کامل نیرویت بخشد      آه، منجی ام!

باد و آب و آذر      بشکوهت دارند      آه منجی ام!

بیا آواز سردهیم!      حواریون بشکوهت دارند      آه، منجی ام!      که هر روز از مفاک فرا جهند

غرقه در شادی می‌دوند      آه، منجی ام!

و برای تاج‌گلهای خویش به سوی روشنی شتابند      بیا آواز سردهیم!

فار قلیط بشکوهت دارد      آه منجی ام!

خداوندگار ما، روشنی ما، مانی      آه منجی ام!

و شاخه‌ها، گیاهان تاکستانش      بیا آواز سردهیم!

آیین وی خجسته‌ات دارد      آه، منجی ام!

و در همین مزامیر پراکنده مزموری است با عنوان «نورت چه نیکوست، ای روح»:

نورت چه نیکوست ای روح      سخت فرانیوشم، ای پاک سرشت!

فرمانهایت چه نیکوست، ای روح!      آنانم روشنی بخشیدند، ای پاک سرشت!

چه نیکو خردت، ای روح!      که روشنی ام بخشید، ای پاک سرشت!

چه نیکوست عشق تو، ای روح!      که جانم زندگی بخشید، ای پاک سرشت!

از آن هنگام که بشناختمت، ای روح!  
 از آن هنگام که بشناختمت، ای روح!  
 همه چیز را به آتش کشیدم، ای روح!  
 پدر و مادر رها کردم، ای روح!  
 زَر چیست در نگاهم؟  
 بوستان و مرغزار  
 همسر و فرزند و عشق  
 خوراک و آشام  
 چه، بس سیرابم، ای پاک سرشت  
 ... رامش کجاست، ای روح!  
 در شکیباییات، ای پاک نهاد!  
 شگفتا سخن گفتن از تو، ای پاک نهاد!  
 عشقت ناگفتنی است، ای پاک سرشت  
 سکوت کجاست، ای روح!  
 تو خرد نوری، ای روح  
 تو رایزنی نیکویی، ای روح  
 پیشکوهی ای روح!  
 شکوه و فخر بر عیسی، شهریار و قدّیسان  
 پیروزی و تاج گل از آن روح مریم  
 که جانم زندگی بخشید، ای پاک سرشت  
 شیدایت شدم، تو ای پاک سرشت!  
 تنها به تو عشق ورزیدم، ای پاک سرشت!  
 برادر و خواهر را، به کام تو، ای پاک سرشت!  
 سیم، چو سنگپاره‌ای، ای روح!  
 هیچ، در نگاهم ای پاک سرشت!  
 هیچ، در نگاهم ای روح!  
 هیچ، در نگاهم ای روح!  
 تشنه و گرسنه نیّم، ای روح!  
 در کمال تو، ای پاک سرشت!  
 تو هوش گردآمده‌ای، ای پاک سرشت!  
 اندیشه کاملی، ای پاک سرشت!  
 مشیت خجسته‌ای، ای پاک سرشت!  
 هماره و جاودان!  
 آن روح پاک سرشت!

### فهرست منابع

۱. اکبری، سی. آر. سی، زبور مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۵.
۲. آیین گنوسی و مانوی، مجموعه مقالات، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۳.
۳. ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
4. Asmussen, Jes p. *Manichaen Literature*, Delmar, New York, 1975.
5. *Dictionary of philosophy*, Edited by Dagobert D. Runes, New Jersey, 1965.
6. *Dictionary of Religion*, Edited by Jonathan Z. Smith, Harper San Francisco, 1995.
7. *Encyclopedia of Religion*, Edited by Mircea Eliade, New York and London, Macmillan, 1987, Vol. 9.
8. Widengren, Geo, *Mani and Manichaeism*, London, 1965, Chapter five.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی